Journal of Theory & Practice in Curriculum
Vol.14 (7); 2020, 319-356

دو فصلنامهٔ **نظریه و عمل در برنامهٔ درسی**
سال هفتم، شمارهٔ ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ۳۵۶-۳۱۹

ادراک اولیاء و مدیران از مشارکت والدین در امور مدرسه

(مطالعه‌ای پدیدارشناسانه)[۱]

Identify and Extract Parent and Teacher Readings from the Concept of Participation in School Affairs

M.Noruznejad, F.Seraji(Ph.D), M.Yousefzade Chosari(Ph.D)

Abstract: The present research aims to study, understand and explain the experiences of parents of students and school administrators from parent participation in school affairs of children. This research is conducted in a descriptive phenomenological approach. For this purpose, 8 managers and 6 students from Hamedan schools were selected by targeted method and data were collected by semi-structured interview. The collected data were analyzed by Straubert and Carpenter (2003). Findings show that in both groups there is no identical definition of participation and people refer to the funds of participation. In the structure, administrators rely on parent associations and coaches as formal institutions and parents focus on personal relationships with school agents. The fields of participation in schools are diverse and factors such as the motivation and parenting of parents, the positive interaction of managers and the existence of a participatory culture in the school organization can strengthen it.

Keywords: Parental Participation, Phenomenology, Managers, Parents of Students

محمد نوروزنژادقادی[۲]، دکتر فرهاد سراجی[۳]، دکتر محمدرضا یوسف‌زاده چوسری[۴]

مشارکت یا شریک‌شدن والدین در آموزش‌وپرورش از جمله مفاهیمی است که علیرغم اینکه به نظر می‌رسد اکثریت افراد جامعه به نوعی آن را تجربه کرده‌اند اما در حوزهٔ نظر و عمل تربیتی با تنوع دیدگاه‌ها و عملکردها مواجه است. بر این اساس پژوهش حاضر به مطالعه، درک و تبیین تجربیات اولیاء دانش‌آموزان و مدیران مدارس از مشارکت والدین در امور مدرسه‌ای فرزندان پرداخته است. این پژوهش به شیوهٔ کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی انجام شده است. به این منظور ۸ مدیر و ۶ ولی دانش‌آموز از مدارس ناحیهٔ ۱ و ۲ شهر همدان به‌شیوهٔ هدفمند انتخاب و داده‌ها به روش مصاحبه نیمه ساختاریافته گردآوری شدند. داده‌های گردآوری شده به روش استرابرت و کارپنتر (۲۰۰۳) مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفتند. درنهایت شش مضمون اصلی استخراج شد که عبارت‌اند از: «برداشت از مشارکت»، «اهمیت و ضرورت مشارکت»، «ساختار مشارکت»، «زمینه‌های مشارکت»، «عوامل مؤثر در مشارکت» و «موانع مشارکت». یافته‌ها نشان می‌دهد که در هر دو گروه تعریف یکسانی از مشارکت وجود ندارد و افراد به وجوه مشارکت اشاره می‌کنند. مدیران بیشتر به اهمیت و ضرورت مشارکت برای پیشبرد امور مدرسه واقف هستند. در مورد ساختار، مدیران به انجمن اولیاء و مربیان به‌عنوان نهاد رسمی متکی هستند و والدین به ارتباط شخصی با عوامل مدرسه توجه دارند. زمینه‌های مشارکت در مدارس متنوع است و عواملی از قبیل انگیزه و بنیهٔ والدین، تعامل مثبت مدیران و وجود یک فرهنگ مشارکتی در سازمان مدرسه می‌تواند آن را تقویت کند، البته خودمحوری مدیران و جزئی‌نگری والدین نیز می‌تواند موانعی بر سر راه مشارکت ایجاد کند.

واژگان کلیدی: مشارکت والدین، پدیدارشناسی، مدیران، اولیاء دانش‌آموزان.

---

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان:« قرائت اولیاء و مدیران از مفهوم مشارکت در مدرسه» است. تاریخ دفاع: ۱۳۹۸/۱۱/۲۲- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۷

۱. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه بوعلی سینا،رایانامه: *m.noroznezhad94@basu.ac.ir*

۲. دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا(نویسنده مسئول)،رایانامه: *fseraji@gmail.com*

۳. دانشیار ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا،رایانامه: fuman47@gmail.com

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

مقدمه

مشارکت[1] از جمله پدیده‌هایی است که از دیرباز وجود داشته و همواره با زندگی انسان‌ها پیوند داشته است. نیاز زندگی جمعی و گروهی وجود همکاری، مساعدت و مشارکت می‌باشد که متناسب با شرایط اجتماعی در زمان و مکان خاص خود به‌صورت‌های مختلف شکل گرفته است (نوابخش و اسمی‌جوشقانی، ۱۳۹۱). فوی[2] (۱۹۹۷) معتقد است که مشارکت فرآیندی توانمندساز است که موجب تحرک‌بخشی منابع محلی، به‌کارگیری گروه‌های متنوع اجتماعی در تصمیم‌گیری، درگیری افراد محلی در تعریف مشکلات، جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات و اجرای پروژه‌ها می‌شود (افضل خانی و عبدی‌پاکروان، ۱۳۹۲). نظام تعلیم و تربیت نیز در هر جامعه‌ای ذاتی مشارکت-جویانه دارد، چرا که ماهیت وجودی این نظام برآمده از نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده است و در پیوند فعال با آن‌ها عمل می‌کند (قاسمی‌پویا، ۱۳۸۱).

امروزه در نظام جهانی، مشارکت افراد ذی‌نفع به‌ویژه والدین در آموزش‌وپرورش به‌منزلهٔ یکی از عوامل مهم دموکراسی در آموزش‌وپرورش شناخته شده است (اسلیتر[3]، ۲۰۰۸). در ۵۰ سال اخیر، در جوامع غربی نیز به مشارکت والدین به‌عنوان روشی برای افزایش موفقیت دانش‌آموزان توجه شده است (تئودورو[4]، ۲۰۰۷). ذات آموزش‌وپرورش، مشارکت تمام عناصر دخیل در فرایند یاددهی – یادگیری را طلب می‌کند. در چنین فرآیندی اندیشهٔ یادگیری و شرکت در تصمیم‌گیری‌ها سبب رشد و بالندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شده است و زمینه‌های تحقق جامعهٔ پویا و توسعه‌یابنده را فراهم می‌آورد. از این روست که نظام‌های آموزش رسمی جهانی در سراسر دنیا درصدد هستند تا هر چه بیشتر امکان تداوم نقش تربیتی خانواده‌ها را در نظام آموزش رسمی و عمومی فراهم سازند (مظاهری، موسی‌پور و ناطقی، ۱۳۹۶).

---

1. Participation
2. Foy
3. Sleeter
4. Theodorou

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

والدین نقش حیاتی در تعلیم و تربیت فرزندانشان دارند و نخستین مربیان آنان به حساب می‌آیند و این نقش مهم با ورود فرزندان به مدارس در آنجا ادامه‌می‌یابد. در سند «مبانی نظری تحول بنیادین تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران» بر ضرورت وحدت بین تربیت رسمی و تربیت غیررسمی، خصوصاً نقش کلیدی خانواده در به سرانجام رسیدن غایت و هدف کلی تربیت و لزوم هماهنگی و همیاری آن‌ها در دستیابی به اهداف و شایستگی‌های لازم تأکید شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). همچنین در سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش (۱۳۹۰)، افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی به‌ویژه خانواده، در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به‌عنوان یکی از اهداف کلان ذکر شده است. در بخش راهبردهای کلان سند مذکور، تقویت و نهادینه‌سازی مشارکت اثربخش و مسئولیت‌پذیری مردم، خانواده و سایر نهادها در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (هدف کلان شماره ۵) و تعامل اثربخش و فعال نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با سایر نهادها و دستگاه‌های مرتبط به‌ویژه نهاد خانواده و رسانه با تأکید بر کاهش مرزهای تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی (هدف کلان شماره ۸) اشاره شده است.

بیان مسئله

والدین نقشی اثرگذار در حوزهٔ مشارکت در امور مدرسه دارند. در واقع مدرسه کار خود را بعد از نهاد خانواده شروع می‌کند. علیرغم تصوری که در گذشته وجود داشته که نقش والدین، فرستادن کودکان به مدرسه و حمایت از مدارس برای نظم دادن به فرزندانشان است، امروزه این نقش به سبب افزایش آگاهی والدین در حوزهٔ تعلیم و تربیت متفاوت شده است (هاشمیان‌فر و اکبرزاده، ۱۳۹۳). یکی از مشخصه‌های مدارس موفق استفاده حداکثری از مشارکت والدین در تصمیمات مدرسه‌ای است (مک

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

گرگور[1]، ۲۰۰۶). تعامل والدین و مدیران مدرسه و معلمان عاملی مؤثر در اجرای استراتژی‌های مدرسه است والدین در تصمیم‌گیری، یادگیری و فعالیت‌های فرزندان خود در آموزشگاه تأثیر مثبت دارند (واحدی، ۲۰۱۰).

البته دربارهٔ مفهوم مشارکت والدین و چگونگی آن در بین افراد مختلف تنوع وسیعی دیده می‌شود. نابرابری در درک این مفهوم بین افراد مختلف، آن‌قدر گسترده است که برخی از آن به‌عنوان مانعی برای درک ماهیت آن اشاره کرده‌اند. گهگاه این واژه برای توصیف طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها و روش‌ها در نظر گرفته می‌شود که معمولاً ارائهٔ یک تصویر روشن و قطعی از این واژهٔ مفهومی و پرکاربرد را دشوار ساخته است. اخیراً مشارکت والدین به‌عنوان یک ساختار چندبعدی متشکل از مشارکت در مدرسه و خانه در نظر گرفته شده است (گرین، والکر، هوور-دمپسی و ساندلر[2]، ۲۰۰۷). تعریف مشارکت والدین از منظر وزارت آموزش‌وپرورش در ایالات متحده (۲۰۰۴) عبارت است از: «مشارکت والدین به‌طور منظم، دوطرفه و شرکت و کمک در تکالیف مدرسه، دروس دانش‌آموزان، تشویق فرزندان به یادگیری، کنترل فعالیت‌های درسی آن‌ها در خانه، برقراری رابطهٔ مناسب و قوی با معلمان مدرسه و شرکت در فعالیت‌های آموزشی مدرسه و روند یادگیری فرزندان» (کریستنسون و شریدان[3]، ۲۰۰۱).

در خصوص زمینه‌های مشارکت والدین، در کشور آلمان در همه فعالیت‌ها، اولیا هم می‌توانند در سطح کلاس با حضور فرزند خود و یا در سطح مدرسه شرکت کنند (هافمن، هافمن، گری و دیلی[4]، ۲۰۰۴). زمینه‌های مشارکت مجموعه همهٔ امکانات، ظرفیت‌ها و راهکارهای قانونی و یا خلاقانه فرض می‌شوند که موجب ایجاد، تثبیت و تقویت فضای مشارکت بین خانه و مدرسه می‌شود. صمدی و رضایی (۱۳۹۰) حد و حدود مشارکت والدین را «مشارکت در سیاست‌گذاری» و «اجرا» نام برده‌اند. به اعتقاد

[1] . Macgregor
[2]. Green, Walker, Hoover-Dempsey, & Sandler
[3]. Christenson & Sheridan
[4]. Hoffman, Hoffman, Gray & Daly.

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

مظاهری، موسی‌پور و ناطقی (۱۳۹۶) به استناد ۷۱ گزاره شناسایی شده از اسناد تحول بنیادین آموزش‌وپرورش، ضرورت مشارکت و تعامل خانواده‌ها در مراحل مختلف فرایند برنامهٔ درسی فرزندان خود، به‌منزلهٔ تکلیف و وظیفهٔ شرعی و قانونی آن‌ها است و تعامل خانواده و دولت به‌طور مشترک در سیاست‌گذاری‌های کلان آموزش‌وپرورش و تصمیم‌گیری‌ها در سطوح ملی و منطقه‌ای و سطح خرد برنامهٔ درسی (سطح مدرسه)، اجرای برنامهٔ درسی در مدرسه و خارج از مدرسه و ارزشیابی آن به رسمیت شناخته شده است.

برخی مصادیق مشارکت در آیینهٔ پژوهش عبارت‌اند از: شرکت در گردهمایی-های اولیاء و مربیان، عضو شدن در انجمن، داوطلب شدن در فعالیت‌های مدرسه، کمک به کلاس درس، کمک در انجام تکالیف، بحث در مورد فعالیت‌های مدرسه با فرزندان، کنترل پیشرفت فرزند در مدرسه، تشویق و پاداش دادن به نمره‌های خوب، کتاب خواندن با فرزندان، الگوسازی رفتارهای مطالعه، بردن فرزند به کتابخانه، تماس با مدرسه در مورد مشکلات، کنترل فعالیت‌های خارج از مدرسه فرزند و گفتگوی منظم با او (فانتوزو[1]، دیویس[2] و گینسبرگ[3]، ۱۹۹۵).

مشارکت والدین می‌تواند در شکل‌ها و مدل‌های گوناگون انجام پذیرد. به‌عنوان نمونه اپستین[4] و ساندرس[5] (۲۰۰۲) پیوستاری از الگوهای مشارکت خانواده را تحت چهار عنوان: الگوی حمایتی، الگوی انتقال خانه به مدرسه، الگوی اغنای برنامهٔ درسی و الگوی مشارکتی مطرح کرده‌اند.

1 . Fantuzzo
2 . Davis
3 . Ginsberg
4 . Epstein
5 . Sunders

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

۱. الگوی حمایتی. والدین مسئول حمایت از تصمیمات مدرسه هستند، نقش مربیان از والدین کاملاً متمایز است، مشارکت بسیار ضعیف است و در حد حضور والدین در مراسم‌های رسمی خلاصه می‌شود؛

۲. الگوی انتقال خانه به مدرسه. والدین با تصمیماتی که از سوی مدرسه گرفته می‌شود، موافق هستند؛ سهم ناچیزی در ارائهٔ دیدگاه‌های خود به مدرسه دارند و شاید تقاضای اطلاعاتی هم از مدرسه بکنند؛

۳. الگوی اغنای برنامهٔ درسی. بر مزیت یادگیری مشارکتی بین والدین، متخصصان و بچه‌ها تأکید دارند و دانش خانواده‌ها و جامعه را در برنامه‌ریزی درسی و فعالیت‌های یادگیری مهم می‌شمارند. والدین در فعالیت‌های گوناگون برنامهٔ درسی مشارکت داده می‌شوند.

۴. الگوی مشارکتی. بر اساس مشارکت مداوم، احترام متقابل و شرکت گستردهٔ خانواده و متخصصان در سطوح مختلف مثل طراحی برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها بنا نهاده شده است. والدین نقش کاملاً فعالی در مدرسه و تصمیم‌گیری‌های آن دارند، احساس می‌کنند که مورد احترام واقع شده‌اند و خودشان را در مرکز فرایند یادگیری می‌بینند (فیتز جرالد[1]، ۲۰۰۴).

عوامل آموزشگاهی به‌ویژه مدیران، مجریان بلافصل برنامهٔ درسی در سطح مدرسه هستند و آموزش و تربیت به‌صورت رسمی و قانونی بر عهدهٔ آن‌ها است. از آنجا که مدرسه یک سازمان اجتماعی است، نوع نگاه به مبحث مشارکت در امور مدرسه و سبک رهبری و مدیریت این مجموعه به‌طور قطع بر کارکرد عوامل زیرمجموعه مثل معلمان و دانش‌آموزان و همچنین مشارکت نهادهای ذینفع مثل خانواده تأثیرگذار خواهد بود (جهانیان، ۱۳۸۸).

با توجه به ضرورت تعامل بین دو نهاد خانواده و مدرسه، معمولاً یک نوع ناهماهنگی و ناسازگاری بین دیدگاه‌های والدین و عوامل مدرسه وجود دارد که این

[1] . Fitzgerald

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

مسئله ریشه در نقش‌ها و مسئولیت‌های مختلف آنان دارد. والدین از آنچه که برای فرزندان خودشان بهتر است حمایت می‌کنند و نه ضرورتاً از آنچه که برای همه یا بیشتر دانش‌آموزان یک کلاس، یک پایهٔ تحصیلی یا یک مدرسه مناسب‌ترین است. از طرف دیگر، اولیای مدرسه برای تعیین عملکردها و تصمیم‌گیری بر اینکه چه چیزی برای جمعیت بزرگتری از دانش‌آموزان (نه فقط یک دانش‌آموز) مفید است مسئولیت دارند. به نظر می‌رسد این ناهماهنگی علیرغم طبیعی بودن باید به صورتی مدیریت شود که خدشه‌ای بر مشارکت خانواده‌ها وارد نشود (شیربگی، عزیزی و امیری، ۱۳۹۴)

به همین منظور در کشورهای توسعه یافته (و در اغلب نظام‌های آموزشی)، همکاری میان خانه و مدرسه به‌صورتی منسجم درآمده و این دو نهاد، مسئولیت مشترک خویش، یعنی تربیت فرزندان جامعه را با همفکری، همکاری و هماهنگی انجام می‌دهند (گوهری، جمشیدی و امین‌بیدختی، ۱۳۹۴). نهادهای مشارکتی همچون انجمن اولیاء و مربیان با اهدافی چون ایجاد پیوند و همکاری بین اولیاء دانش آموزان و مربیان مدرسه، مشارکت داوطلبانه اولیاء دانش آموزان در انجام امور مدرسه، ایجاد زمینهٔ همکاری نهادهای جامعه در جهت پیشبرد اهداف مدرسه توسط والدین در شکل مطلوب و آرمانی آن می‌تواند ترکیبی موزون از قابلیت‌های خانه و مدرسه را گرد هم آورد و آن را صرف ارتقاء کیفیت آموزشی و پرورشی کودکان و نوجوانان کند (عظیمی‌هاشمی و رضامنش، ۱۳۹۳). آموزش خانواده نیز در سال‌های اخیر در اکثر کشورهای دنیا به‌عنوان یک امر ضروری در جهت ایجاد محیط خانوادگی مناسب برای رشد، پرورش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مدنظر قرار گرفته است. دو نهاد خانواده و مدرسه نقش اساسی در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان دارند، باید بین روش‌ها و منش‌های این دو، همسویی و هماهنگی وجود داشته باشد تا یکی کار دیگری را خنثی نکند، بلکه به‌عنوان دو جریان همدل و مکمل عمل کنند. به همین منظور آموزش خانواده به‌عنوان بستری مناسب در راستای تعامل مؤثر و مفید اولیاء با نظام تعلیم و تربیت فرزندان می‌تواند اثربخش واقع شود (بختیاری و مصدقی نیک، ۱۳۹۵). امروزه ابزارهای ارتباطی

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

جدید مثل اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نیز افق‌های جدیدی را برای تعامل افراد جامعه گشوده‌اند که شایسته است در حوزهٔ مشارکت والدین مدنظر باشند.

یکی از شیوه‌های حمایت والدین، مشارکت اجتماعی آنان درزمینهٔ امور تربیتی و آموزشی فرزندان در مدرسه است (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶). در جامعهٔ ما، مشارکت والدین در مدرسه در مقاطع بالاتر از ابتدایی (متوسطه اول و دوم) علی‌رغم حساسیت سنی و تحصیلی فرزندان که یک ارتباط تنگاتنگ و تبادل اطلاعات را بین خانواده و آموزشگاه می‌طلبد، به‌شدت کاهش می‌یابد (هاشمیان‌فر و اکبرزاده، ۱۳۹۳). این کاهش در مشارکت دلایل مختلفی را به ذهن متبادر می‌کند: احساس اطمینان والدین از اینکه نیازی به پیگیری مسائل مدرسه‌ای همانند مقطع ابتدایی ندارند؛ تنوع دروس و تخصصی شدن آن‌ها موجب می‌شود که والدین با این تصور که صلاحیت علمی لازم را برای مشارکت در امور آموزشی ندارند از مدرسه فاصله بگیرند؛ دبیران متعدد با سلایق متفاوت آموزشی در یک کلاس نیز والدین را با سردرگمی در ارتباط مواجه می‌کند؛ لذا پژوهش حاضر به دنبال شناخت عمیق و توصیف تجربیات مدیران و اولیای دانش-آموزان به‌عنوان دو عنصر تأثیرگذار در امر مشارکت والدین در امور مدرسه‌ای می‌باشد.
برخی پژوهش‌های مرتبط با بحث مشارکت والدین در امور مدرسه، به شرح زیر ارائه می‌گردد:

عرب شهراب (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطهٔ بین سبک‌های مدیریت و میزان استفاده از مشارکت اولیاء در مدارس متوسطه» بر این نکته صحه گذاشته است که بین سبک مدیریت مشارکت‌جو و میزان استفاده از مشارکت اولیاء در امور مختلف رابطه معنی‌داری وجود دارد. زنجانی‌زاده، دانایی و سلیمی‌نژاد (۱۳۹۰) در خصوص مشکلات و موانع مشارکت والدین در مدارس معتقد هستند که این موانع گاهی به ساختارهای نظام آموزشی کشور و در مواقعی به عدم آگاهی خانواده‌ها از فواید مشارکت در امر آموزش، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، اعتماد، توانایی برای کنش‌های مشارکتی، رضایت، انسجام اجتماعی و شکاف‌های اجتماعی برمی‌گردد. یافته‌های

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

عظیمی‌هاشمی و رضامنش (۱۳۹۳) نشان‌دهنده تأثیر عملکرد انجمن به لحاظ (شیوهٔ نظرخواهی، نحوهٔ ادارهٔ جلسات، اطلاع از زمان برگزاری جلسات، جو حاکم بر جلسات و تعداد جلسات)، نگرش والدین و اعتماد به فعالیت انجمن بر میزان مشارکت والدین است. همچنین افزایش احساس مسئولیت و تمایل کمک به دیگران، لزوم مشارکت در امور جامعه و کاهش یأس اجتماعی در بین اولیاء، بر میزان مشارکت تأثیر دارد. در تحقیق گوهری، جمشیدی و امین‌بیدختی (۱۳۹۴) با موضوع «شناسایی موانع مشارکت والدین در امور مدارس مقطع ابتدایی شهر سمنان»، از بین ۷۲ مورد از موانع مشارکت والدین، موانعی همچون عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه، تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و عدم شناخت والدین و ناتوانی آن‌ها در تطبیق با برنامه‌ها، کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روزمره، ساختار نظام آموزشی کشور، وضعیت نامناسب اقتصادی خانواده‌ها، عدم آگاهی والدین از پیامدها، نتایج احتمالی و فواید مترتب بر امر مشارکت در مدارس، عدم تبلیغات مناسب توسط رسانه‌های عمومی در ترویج فرهنگ مشارکت در مدارس، به ترتیب از مهم‌ترین موانع مشارکت والدین شناسایی شدند. نتایج پژوهش شیربگی، عزیزی و امیری (۱۳۹۴) با عنوان «واکاوی مفهوم مشارکت و مداخله در آموزش فرزندان از دیدگاه والدین و معلمان» نشان می‌دهد که اگر چه والدین از لحاظ نظری از اهمیت مشارکت والدین در آموزش فرزندانشان تا حدی آگاهند، اما در عمل به دلایل مختلف چندان در این فرایند درگیر نیستند. والدین ارتباط کمی با معلمان دارند و از مشکلات آموزشی فرزندانشان آگاهی کافی ندارند. میزان مشارکت داوطلبانهٔ آن‌ها در فرایند تحصیل فرزندانشان در سطح پایینی بود. مادران بیش از پدران علاقمند به مسئولیت-پذیری در فرایند تحصیل فرزندان بودند و معلمان خیلی راغب نبودند که والدین در فرایند آموزش مداخله کنند. کردی (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «رابطهٔ مشارکت والدین با میزان موفقیت دانش‌آموزان در آزمون سراسری» نشان می‌دهد که مشارکت والدین در مدرسه و مشارکت والدین در منزل تأثیر معناداری بر میزان موفقیت دانش

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

آموزان در آزمون سراسری ورود به دانشگاه دارد. نتایج تحقیق دهقان و مهدی‌سراجیان (۱۳۹۶) با عنوان «رابطهٔ سرمایه اجتماعی خانوادگی و مشارکت والدین در امور مدرسه با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان» نیز حاکی از آن است که تغییر سرمایهٔ اجتماعی تأثیری مستقیم بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان دارد و همچنین به سبب مشارکت والدین در امور مدرسه، سرمایهٔ اجتماعی سهم دیگری از واریانس موفقیت تحصیلی را توضیح می دهد.

بوش[1] و گولدرینگ[2] (۱۹۹۸) در پژوهش خود دریافتند که والدین و معلمان تحت شرایط و ساختار جدید مدرسه، نقش‌های مختلفی را ایفا می‌کنند و تغییر در ساختار آموزشگاه روی کیفیت و ماهیت مشارکت اولیاء و مربیان تأثیر می‌گذارد. گریفیث (۲۰۰۰) تحقیقی تحت عنوان «رهبری مدیر و مشارکت والدین» انجام داده است. یافته‌های پژوهش او نشان می‌دهد که رفتار مدیر روی مشارکت اولیاء در امور مدرسه اثر می‌گذارد و عدم مشارکت مربوط به عوامل زیر است: ۱- قانون‌مندی‌های بدون انعطاف مدرسه؛ ۲- اموری که والدین را نسبت به فعالیت‌های مدرسه دلسرد می-کند؛ ۳- نگرش منفی معلمان نسبت به اولیایی که از موقعیت اقتصادی و اجتماعی مناسبی برخوردار نیستند؛ ۴- درکی که اولیاء دانش‌آموزان از کارکنان مدرسه دارند و ۵- مهم‌ترین عمل مؤثر در عدم مشارکت اولیاء مربوط به رفتار مدیران در مدرسه می‌باشد. ایوان رساس[3] (۲۰۰۹) در یک مطالعهٔ موردی در مقطع دبیرستان، درآمد پایین و شرایط بد اقتصادی والدین، تفاوت‌های زبانی و فرهنگی والدین، دیدگاه منفی معلمان نسبت به فرهنگ و صلاحیت والدین و غیره را از جمله موانع مشارکت اولیاء برشمرده است. وسترگارد[4] (۲۰۱۵) بیان می‌دارد که مدارس و معلمان علیرغم اینکه همکاری والدین در امور آموزشی را درک می‌کنند اما به نظر می‌رسد که آن‌ها توانایی تبدیل این دانش

[1] . Bauch
[2] . Goldring
[3]. Ivan Rosas
[4] . Westergård

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

نظری به عمل را ندارند. به‌طور خاص، معلمان به هنگام شرکت در گفتگوهای چالش برانگیز با والدین نیاز به مهارت و استراتژی بیشتری دارند. همچنین به اعتقاد دسلاندس، بارما و مورین[1] (۲۰۱۵) روابط همکارانهٔ بین مدرسه و خانواده گاهی اوقات تنش و سوءتفاهم را ایجاد می‌کند که عمدهٔ این مسائل مربوط به عامل اعتماد در مقابل کنترل در هنگام انتخاب ابزار ارتباطی و مسائل مربوط به سلسله‌مراتب قدرت در داخل و خارج از مدرسه است که باید در توزیع مجدد وظایف در میان اعضای جامعه مدرسه به آن پرداخته شود. ریپاراز و الیزالد (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای تطبیقی با عنوان «مشارکت والدین در مدارس آلمان و اسپانیا بر پایهٔ داده‌های PISA[2] (۲۰۱۵)» دو شاخص تلاش-های مدرسه برای درگیرساختن والدین و مشارکت والدین در فعالیت‌های مرتبط با مدرسه را مورد بررسی قرار داده است. در PISA (۲۰۱۵)، مشارکت والدین یکی از عناصر زمینه‌ای است که در ارزیابی عملکرد دانش‌آموزان سنجیده می‌شود. پرسش‌نامهٔ والدین به همراه سایر مقیاس‌هایی که برای مدیران و کارکنان آموزشی مدارس و دانش-آموزان فراهم شده است، تولید شاخص‌هایی برای سنجش اثربخشی، عدالت، بهره‌وری نظام‌های آموزشی و مقایسهٔ بین‌المللی در طول زمان از مهم‌ترین اهداف PISA هستند. در این پژوهش مدیران آلمانی بیشتر از مدیران اسپانیایی، مشارکت والدین در تصمیم-گیری‌ها را باور دارند، اما مشارکت والدین اسپانیایی در امور مدرسه بیشتر از والدین آلمانی بود. اگر والدین وقت کمتری برای صحبت با فرزندان خود صرف کنند، عملکرد آن‌ها پایین‌تر است، اما همیشه کمک به فرزندان در انجام تکالیف نمی‌تواند عملکرد تحصیلی را بهبود بخشد.

مروری بر پژوهش‌های انجام شده در زمینهٔ مشارکت یا دخالت والدین در امور مدرسه‌ای، نشان می‌دهد که این تحقیقات بیشتر در حوزهٔ اثربخشی متغیر مشارکت والدین بر دیگر متغیرها، یا رابطهٔ آن با متغیرهایی همچون پیشرفت تحصیلی دانش-

[1] . Deslandes, Barma & Morin
[2] . Programme for International Student Assessment

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

آموزان، عملکرد مدرسه و غیره، تمرکز داشته‌اند. در واقع مشارکت والدین به‌عنوان متغیر ثابت در نظر گرفته شده و اثربخشی و همبستگی آن با سایر متغیرهای موجود در سازمان مدرسه سنجیده شده است. وانگهی ادراک و تجربهٔ عناصر ذینفع در مدرسه از پدیدهٔ مشارکت اولیاء، با توجه مطالب پیش‌گفته، می‌تواند متفاوت و حتی مغایر با یکدیگر بوده و این مسئله باعث اثرات متنوع در متغیرهای دیگر شود. گاهی دعوت از والدین توسط مدیران، جهت مشورت ممکن است از سوی والدین، دعوت برای مشارکت مالی تلقی شده و منجر به کاهش مداخله شود. با این توصیف مطالعه پدیدارشناسانه ادراک مدیران مدارس و خود والدین از مشارکت، به‌عنوان عوامل اثرگذار در این فرایند ضروری به نظر می‌رسد. همچنین در کنار هم گذاردن ادراکات می‌تواند به فهم بهتر آن یاری رساند؛ بنابراین هدف عمدهٔ پژوهش حاضر، پاسخ به پرسش‌های زیر می‌باشد:

۱. مدیران چه تجربه‌ای از مشارکت والدین در امور مدرسه دارند؟

۲. والدین دانش‌آموزان چه تجربه‌ای از مشارکت خود در امور مدرسه دارند؟

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر، پدیدارشناسی توصیفی است. این روش بر عمق تجربیات تأکید دارد و درک ما را از تجربیات زندگی افزایش می‌دهد (ادیب حاج‌باقری، پرویزی و صلصالی، ۱۳۸۹). میدان پژوهش، شامل کلیهٔ مدیران و والدین دانش‌آموزان شاغل به تحصیل در دورهٔ متوسطه اول ناحیه ۱ و ۲ شهر همدان هستند. بر اساس روش نمونه-گیری هدفمند از ۸ مدیر و ۶ ولی دانش‌آموز (جدول شمارهٔ ۱) مصاحبه‌های نیمه-ساختاریافته و عمیق به عمل آمد.

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

جدول شمارهٔ (۱): مشخصات مصاحبه شوندگان

	شماره	جنسیت	سابقهٔ مدیریت	نوع مدرسه		شماره	جنسیت	مدرک تحصیلی	نوع مدرسه
مدیران	۱	مرد	۱۴	عادی دولتی	والدین	۱	مرد	دکتری	غیردولتی
	۲	زن	۱۷	عادی دولتی		۲	مرد	دکتری	شاهد
	۳	مرد	۲۵	عادی دولتی		۳	مرد	کارشناسی	غیردولتی
	۴	مرد	۸	غیردولتی		۴	مرد	کارشناسی ارشد	نمونه دولتی
	۵	مرد	۱۴	تیزهوشان		۵	مرد	کارشناسی	تیزهوشان
	۶	مرد	۱۲	غیردولتی		۶	مرد	دکتری	عادی دولتی
	۷	مرد	۱۵	نمونه دولتی					
	۸	مرد	۱۰	دولتی					

با توجه به اینکه در تحقیقات کیفی مصاحبه کاملاً سازمان‌یافته نیست و هدف محقق کمک نمودن به مصاحبه‌شوندگان است تا دیدگاه‌های خود را در مورد موضوع مربوط با کلمات و عبارات خودشان بیان کنند، لذا جهت جمع‌آوری اطلاعات مربوطه از مصاحبهٔ نیمه‌سازمان‌یافته استفاده شده است. مصاحبه‌ها در قالب نیمه‌ساختاریافته و با طرح سؤالات کلی و اصلی انجام شد. مدت زمان مصاحبه‌ها با توجه علاقه و وسعت اطلاعات شرکت‌کنندگان بین ۲۵ تا ۷۵ دقیقه متغیر بود. در طول مصاحبه به مصاحبه شوندگان اجازهٔ صحبت آزاد در مورد سؤالات و مسائل متفرقه داده شد. به همین منظور گاهی در حین مصاحبه به جهتی هدایت می‌شد که پاسخگوی سؤال‌های تحقیق باشد. در پایان هر یک از مصاحبه‌ها با شرح جزئیات پیاده‌سازی شد.

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

تجزیه‌وتحلیل اطلاعات به روش استرابرت و کارپنتر (۲۰۰۳) انجام شد. روش مزبور شامل توصیف پدیدهٔ مورد نظر توسط محقق، کنار گذاشتن پیش‌فرض‌های محقق، مصاحبه با شرکت‌کنندگان، قرائت توصیف‌های شرکت‌کنندگان، استخراج جوهره‌ها، پیدا کردن روابط اساسی، نوشتن توصیفی از پدیده، برگرداندن توصیف به شرکت‌کنندگان و کسب تأیید آنان، مرور بر متون مربوطه و انتشار یافته‌ها می‌باشد (ادیب حاج‌باقری، پرویزی و صلصالی، ۱۳۸۹).

برای اطمینان از روایی داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه، داده‌های حاصل در ضمن مصاحبه برای هر یک از مصاحبه شوندگان بازگویی شد تا در صورت برداشت اشتباه پژوهشگر، مطالب توسط آنان اصلاح شود. برای افزایش قابلیت اطمینان و انتقال-پذیری یافته‌ها تلاش شد تا با بهره‌گیری توأمان از اسناد و داده‌های روایتی حاصل از مصاحبه، بررسی مداوم داده‌ها و استفاده از نتایج آن برای تعیین کفایت داده‌ها، چندسویه‌سازی محیطی (انجام مصاحبه‌ها در مدارس متنوع از قبیل دولتی، غیردولتی و خاص) و استفاده از ممیز بیرونی، میزان باورپذیری تفسیرهای به‌عمل آمده، افزایش یابد.

یافته‌ها

در این پژوهش با استفاده از روش پدیدارشناسی توصیفی و با مطالعهٔ مکرر و بازخوانی مصاحبه‌های انجام شده از طریق برچسب‌گذاری به جوهره‌های اصلی یا همان مضامین موجود در متن پی برده شد که درنهایت ۶ مضمون اصلی به همراه مضامین فرعی مربوط استخراج گردید. مضامین اصلی عبارت‌اند از: برداشت از مشارکت، اهمیت و ضرورت مشارکت، ساختار مشارکت در مدارس، زمینه‌های مشارکت، عوامل تأثیرگذار در مشارکت و موانع مشارکت. در ادامهٔ‌یافته‌های به‌دست‌آمده در مورد هر کدام از مضامین بر اساس سؤالات پژوهش به تفکیک مدیران و والدین ارائه می‌گردد.

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

مضمون اصلی ۱: برداشت از مشارکت

مدیران: در خصوص ارائهٔ تعریفی از مفهوم مشارکت والدین، در میان مدیران دو جهت‌گیری اساسی مشاهده شده است. برخی مدرسه را مسئول آموزش و تربیت فرزندان دانسته و مشارکت والدین را «استفاده از پتانسیل والدین و همسویی در اهداف تربیتی با محوریت مدرسه» قلمداد می‌کنند. بالعکس، یکی از مدیران، بر اساس متون دینی و اسناد بالادستی نظام آموزشی (مانند مبانی نظری سند تحول بنیادین)، مسئولیت تربیت را متوجه والدین می‌داند و نقش مدرسه را کمک و همیاری در موضوع تربیت و مشارکت را درگیر ساختن مجدد نهاد خانواده در این مورد تعریف کرده‌اند.

والدین: والدین عموماً تعریف خاصی از مشارکت در امور مدرسه نداشتند و مسائل مرتبط با این مفهوم را مطرح می‌کردند. ادراک والدین از مشارکت، مبتنی بر تجربهٔ آن‌ها در مدرسه است. به‌عبارت‌دیگر تعریفی از مشارکت در ذهن دارند که مدیر مدرسهٔ فرزند ارائه می‌دهد. یکی از اولیاء که متخصص در حوزهٔ علوم تربیتی می‌باشند، نکات قابل توجه در مورد این مفهوم بیان داشته و تأکید کردند که در نظام آموزشی ما مشارکت به مفهوم حداکثری آن وجود ندارد (جدول شمارهٔ ۲).

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

جدول شمارهٔ (۲): برداشت از مشارکت

مضمون		مضامین فرعی	نمونهٔ تجربیات
برداشت از مشارکت	مدیران	استفاده‌ها از پتانسیل‌ها همسویی در اهداف تربیتی مسئول تربیت خانواده است مدرسه کمک کننده است	استفاده از همهٔ ظرفیت و پتانسیل والدین در جهت اهداف آموزشی و پرورشی. همسویی خانواده و مدرسه برای دستیابی به هدف مشترک (تربیت فرزند). در آرمان‌شهر اسلامی، خانواده مسئول تربیت فرزند است و موظف است تا آخر عمرش از او حمایت و نگهداری کند و مدرسه کمک‌کننده است. ما می‌خواهیم خانواده‌ای که خود را در موضوع تربیت فرزند کنار کشیده، دوباره درگیر کنیم؛ این یعنی مشارکت.
	والدین	نقش والدین در برنامه‌ریزی درسی عدم وجود مشارکت واقعی مفهوم مشارکت حداقل و حداکثر دارد همکاری مستمر رو به رشد آگاهی از فعالیت‌های مدرسه	والدین در تدوین، اجرا و پایش برنامهٔ درسی نقش داشته باشند. بنابراین مفهوم واقعی مشارکت در نظام آموزشی ما وجود ندارد. البته هر مفهومی را هم به جای مشارکت به‌کار ببریم مثل همکاری، نمود حداقلی و حداکثری دارد. در محیط همکارانه، ادامهٔ فعالیت مدرسه در خانه است و ادامهٔ فعالیت خانه در مدرسه. سیکلی که دائم به حالت استمرار است و نه تکرار صرف، بلکه همکاری مستمر رو به رشد. نفس مشارکت این‌که شما هیچ فعالیتی در مدرسه انجام ندهید که بدون آگاهی والدین باشد.

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

مضمون اصلی ۲: اهمیت و ضرورت مشارکت

مدیران: مدیران مدارس، مشارکت والدین را به جهت تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، نظارت بر کار دبیران، همسویی خانه و مدرسه، تسریع در اجرای پروژه‌ها و بهبود عملکرد آموزشگاه ضروری می‌دانند.

والدین: ضرورت مشارکت از نظر والدین را در مقوله‌هایی مانند سهم والدین در تربیت، نقص مدارس و لزوم هم‌افزایی و بهبود خروجی تربیت می‌توان مشاهده کرد (جدول شمارهٔ ۳).

جدول شمارهٔ (۳): اهمیت و ضرورت مشارکت

مضمون		مضامین فرعی	نمونهٔ تجربیات
اهمیت و ضرورت مشارکت	مدیران	ارتباط مشارکت با پیشرفت تحصیلی تأثیر روی اعتمادبه‌نفس فرزندان کاهش مشکلات مدرسه پشتوانهٔ مدرسه لزوم همسویی خانه و مدرسه لزوم استفاده از ظرفیت مشارکتی برخی اولیاء در مدرسه اجرای سریع‌تر پروژه‌ها	وضعیت تحصیلی فرزندان با پیگیری والدین ارتباط مستقیم دارد. حضور والدین، باعث مراقبت دبیران در کار خود می‌شود. پیگیری والدین و توجه آن‌ها روی اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان و درسشان تأثیر دارد. مشارکت اولیاء اگر نباشد در زمینه‌های آموزشی، تربیتی، فرهنگی و غیره مشکلات مدرسه بیشتر نمود پیدا می‌کند. رابطهٔ مستمر والدین با آموزشگاه، پشتوانهٔ مدرسه است و روی فرزندان اثر دارد. همسویی یعنی خانواده اساسی‌ترین رکنِ و بعد ما شروع می‌کنیم به کمک کردن برای به نتیجه رسیدن. پس خانواده‌ها باید کمک بکنند. اگر از ظرفیت مشارکتی اولیاء برخوردار و دارای انگیزه استفاده نکنیم، در بخش‌های دیگر خارج مدرسه خرج خواهد شد. در صورت کفایت شهریه باز هم به سمت اولیاء می‌رویم، چون با مشارکت آن‌ها می‌توان یک پروژهٔ ده ساله را دوساله تمام کرد.

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

مضمون		مضامین فرعی	نمونهٔ تجربیات
	والدین:	سهم والدین در تربیت فلسفهٔ قانونی شدن شوراها نقص دو نهاد در تربیت هم‌افزایی در مشارکت شکل‌گیری پایه‌های تربیت در خانواده بهبود خروجی مدارس در تربیت	هر کس سهمی در تربیت دارد که باید آن را ایفا کند. ممکن است سهم‌ها متفاوت باشد، اما در سرجمع بحث تعلیم و تربیت شکل می‌گیرد. انواع شوراهای مدرسه نیاز بود که قانونی شد، برای اینکه از فکر افراد بتوان استفاده کرد. هیچ‌کدام بدون یکدیگر کامل نیستیم و برای یک هدف تلاش می‌کنیم. بالطبع خروجی مشورت خیلی بهتر از تک‌اندیشی خواهد بود. مشورت بیشتر اوقات هم‌افزایی را به دنبال دارد. پایه‌های تربیت در خانواده شکل می‌گیرد، بنابراین نقش والدین پس از ورود فرزند به مدرسه نباید صفر شود. اینکه خروجی مدارس ما ایده‌آل نیست، شاید به خاطر این باشد که بعضی مواقع والدین کار تربیت را یکسره به مدرسه واگذار کردند.

مضمون اصلی ۳: ساختار مشارکت در مدارس

هر نوع مشارکتی در جامعه نیازمند ساختار و چارچوب مشخص است تا بر اساس آن بتوان مشارکت افراد در فعالیت‌های مختلف اجتماعی را جلب نمود، مشارکت والدین نیز از این اصل مستثنی نیست.

مدیران: انجمن اولیاء و مربیان اصلی‌ترین شورایی است که به‌عنوان یک تکلیف قانونی، همه مدیران شرکت‌کننده در مصاحبه خود را موظف به تشکیل آن در اولین ماه سال تحصیلی می‌دانستند. مدیران عنوان می‌کردند که بسیاری از فعالیت‌های آموزشی، پرورشی و عمرانی در مدرسه با مصوبه و امضای انجمن انجام می‌شود. اولیای دانش-آموزان با واسطهٔ اعضای انجمن در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دارند. ابزارهای ارتباطی تعریف شده در هر مدرسه نیز، مسیر مشارکت را هموار می‌کنند.

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

والدین: در خصوص ساختار مشارکت، والدین به دو دستهٔ اعضای انجمن و غیر آن تفکیک می‌شوند. اعضای انجمن به مصوبات انجمن و نقش آن در تسهیل امور اجرایی اشاره داشتند. سایر والدین نیز، خلاقیت‌های مدیران در مشارکت از قبیل جلسات دیدار با دبیران، ارائهٔ کارنامهٔ ماهانهٔ پیشرفت تحصیلی، استفاده از ابزارهای ارتباطی جدید را عنوان می‌کردند (جدول شمارهٔ ۴).

جدول شمارهٔ (۴): ساختار مشارکت

مضمون		مضامین فرعی	نمونهٔ تجربیات
ساختار مشارکت در مدارس	مدیران	نهاد قانونی مشارکت مشارکت غیرمستقیم در تصمیمات مشارکت اولیای متخصص و ماهر جلسات مشترک با دبیران ابزارهای ارتباطی مشارکت	تشکیل انجمن اولیاء و مربیان در اولین ماه سال تحصیلی به‌عنوان یک وظیفهٔ قانونی. مشارکت والدین در تصمیم‌گیری‌های مدرسه با واسطهٔ اعضای انجمن. استفاده از اولیای متخصص و ماهر در بخش‌های آموزشی، پشتیبانی، فنی و غیره که در آیین‌نامه انجمن آمده است. جلسات دیدار جامع والدین با دبیران در طول سال تحصیلی. ابزارهای ارتباطی که مدرسه جهت مشارکت والدین به کار می‌گیرد: تلفن مدرسه، دعوت‌نامهٔ کتبی، جلسات آموزش خانواده، سامانهٔ پیامکی، سایت مدرسه، نرم‌افزار سمیم و گروه یا کانال در شبکه‌های اجتماعی.

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

مضمون		مضامین فرعی	نمونهٔ تجربیات
	والدین	برنامه‌ریزی هفتگی برای مشارکت دیدار با همهٔ دبیران در خارج از ساعت آموزشی بازخورد آموزشی مستمر تصمیم‌گیری با مشارکت والدین امکان ارتباط فردی و جمعی در شبکه‌های اجتماعی	برنامه‌ریزی هفتگی برای دیدار اولیاء با عوامل اجرایی مدرسه وجود دارد، مثلاً چهارشنبه‌ها و همه حضور دارند. دیدار با معلمان به‌طور میانگین ماهی یک‌بار در روز خاص و خارج از ساعت آموزشی. ارائه کارنامهٔ ماهیانه به والدین به‌صورت سیستمی. اولویت مدرسه تصمیم‌گیری به کمک اعضای انجمن است. هر آنچه در جلسات به اجماع کلی می‌رسد، مصوب می‌شود. والدین با معلمان در کانال مدرسه ارتباط دارند و می‌توانند در صفحهٔ شخصی معلم با او ارتباط بگیرند. مشکلی در گروه مطرح می‌شود و اگر این مسئله جمعی باشند، نیاز نیست که همه انفرادی به مدرسه مراجعه کنند و آن درخواست را داشته باشند.

مضمون اصلی ۴: زمینه‌های مشارکت

مدیران: زمینه‌ها و فرصت‌های مشارکت والدین در مدارس مختلف با توجه به نوع آموزشگاه، موقعیت کالبدی و فرهنگی مدرسه و خلاقیت‌های مدیران و انجمن‌ها متفاوت می‌باشد. مدیران به مواردی شامل، پیگیری امور آموزشی و تربیتی فرزندان، شرکت در جلسات و کارگروه‌ها، پذیرش مسئولیت در موارد ویژه، استفاده از تخصص و مهارت والدین و مشارکت مالی والدین اشاره کرده‌اند.

والدین: والدین نیز مواردی از قبیل ارائهٔ پیشنهاد و انتقاد، مشارکت در انجمن اولیاء، نقش خود در انتخاب و ارزیابی عملکرد دبیران، استفاده از ظرفیت فکری و تخصصی آن‌ها تا مشارکت در برنامه‌ریزی بلندمدت مدرسه را عنوان کرده‌اند. البته برخی از این

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

مقوله‌ها در مدارس خاص با توجه به بنیهٔ والدین و سبک مدیریت آموزشگاه قابلیت اجرا داشته است (جدول شمارهٔ ۵).

جدول شمارهٔ (۵): زمینه‌های مشارکت والدین

مضمون		مضامین فرعی	نمونهٔ تجربیات
زمینه‌های مشارکت	مدیران	پیگیری امور فرزندان شرکت در جلسات و کارگروه‌ها پذیرش مسئولیت در موارد ویژه استفاده از تخصص و مهارت والدین مشارکت مالی	پیگیری امور آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان. شرکت در جلسات انجمن و آموزش خانواده که با دعوت‌نامهٔ کتبی انجام می‌شود. به عهده گرفتن امور اجرایی و خدماتی مراسماتی مثل جشن تکلیف و هفتهٔ معلم. برش‌کاری اعضای انجمن فضا را برای مشارکت بیشتر دیگر والدین فراهم می‌کند. کمک والدین ماهر در کارهای عمرانی مدرسه. تأمین هزینهٔ اردو توسط والدین خیّر. نذری دادن در مناسبت‌های مذهبی. جلسات دیدار مستقیم با معلمان مدرسه، به‌صورت حداقل دو نوبت در سال تحصیلی. شرکت والدین در کارگروه‌های پنج‌گانهٔ مدرسه (آموزشی، پژوهشی، بهداشتی، عمرانی و خدماتی) و استفاده از نظرات آنان.

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

مضمون		مضامین فرعی	نمونهٔ تجربیات
	والدین	مشارکت در برنامه‌ریزی بلندمدت استفاده از ظرفیت فکری والدین استفاده از مهارت و تخصص والدین استفاده از اولیای متخصص در حوزهٔ علوم تربیتی ارزیابی عملکرد سالیانهٔ دبیران نقش والدین در انتخاب دبیران مشارکت بیشتر اعضای انجمن اولویت‌بندی هزینه‌ها ارائهٔ پیشنهاد و انتقاد	والدین باید در برنامه‌ریزی بلندمدت مدرسه نقش داشته باشند. من ولی دانش‌آموز ده سال دیگر این مدرسه هم هستم. اگر کمک‌های فکری و پتانسیل‌های والدین را راه بیندازیم، مشکل مالی هم حل خواهد شد. در واقع کسی که فکرش خریدار داشته باشد، هزینه هم برای این اندیشه‌اش می‌کند. مدرسه در مسئلهٔ انتخاب معلمان و قضاوت در مورد عملکرد آن‌ها، والدین و دانش‌آموزان را وارد کرده است، قانون نگفته ولی آن‌ها انجام می‌دهند. از اولیای متخصص در حوزهٔ ارزشیابی، فنون تدریس و غیره استفاده می‌شود. والدین در برنامه‌های فرهنگی مثلاً تصمیم‌گیری راجع به اردوها و سفرهای علمی، مشارکت دارند. گاهی والدین برای کاری به مدرسه می‌روند و در بین صحبت‌ها متوجه می‌شوند که آن ولی توانمندی خاصی دارد که می‌توان از آن استفاده کرد. کسانی که عضو انجمن هستند، بالطبع مشارکت بیشتری دارند. یکی از موارد مشارکت می‌تواند اولویت‌بندی هزینه‌ها باشد. کم‌ترین مشارکت والدین می‌تواند دادن پیشنهاد باشد.

مضمون اصلی ۵: عوامل تأثیرگذار در مشارکت

مدیران: از نظر مدیران، ارتباط حضوری والدین و پیگیری امور تحصیلی فرزندان، در میزان مشارکت آن‌ها اثرگذار است. همچنین جلسات مشترک والدین و دانش‌آموزان با عوامل مدرسه، انتخاب مدرس آموزش خانواده توانمند و کیفی‌سازی جلسات، اعتماد

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

متقابل طرفین، شفافیت عملکرد مدیران، تعامل صحیح با والدین، آموزش صلاحیت‌ها به والدین و انتظارات معقول از مدرسه، از جمله عواملی است که به اعتقاد مدیران افزایش مشارکت در مدرسه را در پی دارند.

والدین: عوامل تأثیرگذار بر مشارکت از دیدگاه والدین را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

مضامین مربوط به والدین: اراده و انگیزهٔ مشارکتی والدین و اثر عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی؛

مضامین مربوط به مدیران: پیش‌گامی، مهارت‌ها و خلاقیت‌های مدیران در مشارکت، عملکرد مدرسه، محیط کالبدی و فرهنگ سازمانی مدرسه، برنامه‌مند بودن مشارکت، فرهنگ‌سازی مدرسه در خصوص مشارکت و تنوع در ابزارهای ارتباطی (جدول شمارهٔ ۶).

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

جدول شمارهٔ (۶): عوامل تأثیرگذار در مشارکت

مضمون		مضامین فرعی	نمونه تجربیات
عوامل تأثیرگذار در مشارکت	مدیران	ارتباط حضوری پیگیری‌های والدین جلسات مشترک والدین و دانش‌آموزان با عوامل مدرسه کیفی‌سازی جلسات اعتماد متقابل شفافیت مالی مدیران تعامل صحیح با والدین آموزش صلاحیت‌ها به والدین انتظارات معقول از مدرسه	رفت و آمد به آموزشگاه و پیگیری امور تحصیلی فرزندان. درک اهمیت جلسات توسط آن‌ها، انتخاب مدرس توانمند و کیفی‌شدن جلسات از نظر موضوع و سبک ادارهٔ آن. تشکیل جلسهٔ مشترک بین والدین و دانش‌آموزان با عوامل اجرایی آموزشگاه با موضوع مسائل آموزشی، پرورشی، اجرایی، انضباطی و غیره. هنوز اعتماد اولیاء قشر فرهنگی وجود دارد و صادق بودن را شرط این اعتماد می‌دانم. شفافیت مالی مدیران به اعتماد والدین کمک می‌کند. توانایی مدیر و همکاران برای تعامل با اولیاء ملاک است. آموزش خانواده در زمینهٔ مشارکت و تربیت، آموزش نحوهٔ صحیح مطالبه‌گری، آموزش مهارت گوش‌کردن و فنون مذاکره و غیره. انتظارات و توقعات طرفین از یکدیگر در حد وظیفه و توان آن‌ها باشد. برای مثال، توقع از مدرسه این است که آموزش جمعی دانش‌آموزان صحیح باشد نه آموزش فردی.

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

مضمون		مضامین فرعی	نمونه تجربیات
	والدین	اراده مشارکت انگیزهٔ مشارکتی والدین تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مهارت مدیران در مشارکت خلاقیت‌های مدیران عملکرد مدرسه برنامه‌مند بودن مشارکت زمان و فضای مشارکت فرهنگ سازمانی مدرسه محیط کالبدی مدرسه فرهنگ‌سازی تنوع در ابزارهای ارتباطی مدیریت مشارکت‌پذیر پیش‌گامی مدرسه	مشارکت بسته به خواستن و ارتباط بیشتر اولیاء و مربیان مدرسه است. مشارکت بستگی به میزان علاقمندی و بنیه والدین (شغل، تحصیلات و بضاعت مالی) والدین دارد. ایجاد ارتباط سازنده بین خانه و مدرسه به مهارت مدیر وابسته است. اگر مدیر مهارت داشته باشد، ولی دانش-آموزی که هیچ توانایی مالی و فکری ندارد، پایش به مدرسه باز می‌شود. این که قوانین و مقررات به من بگویند چه‌کار کنم، این یک بحثی است، اما این که من فارغ از قوانین بیایم اقداماتی بکنم، آن یک بحث دیگر است و مشارکت بیشتر نوع دوم است. باید مدرسه سازوکارهایی فراهم بکند که من به سمت مشارکت بروم. ابزار مشارکت، تبلیغ، قوانین و مقررات نیست، ابزار مشارکت عملکرد است، ما باید عملکرد مدرسه را بالا ببریم و سپس هرگونه مشارکتی را جلب بکنیم. اختصاص زمان خاص برای تعامل، در دسترس‌بودن، برنامه‌مند بودن، وقت و انرژی گذاشتن و در اختیار گذاشتن اطلاعات مسئلهٔ مشارکت را راحت‌تر می‌کند. پیش‌گامی مدرسه در مشارکت باعث می‌شود که این تبدیل به فرهنگ شود و بعد خود والدین پیگیری می‌کنند. فرهنگ خانواده‌ها، حساسیت آن‌ها در مورد مسائل فرزندان، فضای حاکم بر مدرسه (فرهنگ سازمانی)، معلم و محیط فیزیکی و کالبدی که مدرسه در آن واقع است. در بحث مشارکت، مدرسه پیش‌گام باشد، بهتر است.

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

مضمون اصلی ۶: موانع مشارکت

مشارکت نیز همانند بسیاری از فعالیت‌های دیگر انسانی با چالش‌ها و موانعی روبه‌رو است که می‌تواند از شکل‌گیری آن جلوگیری به عمل آورده یا از رسیدن به اهداف بازدارد.

مدیران: موانع مشارکت از نظر مدیران به دو بخش قابل تفکیک است:

موانع مربوط به والدین: بی‌سوادی یا کم‌سوادی و عدم صلاحیت علمی در امور آموزشی و تربیتی، مشکلات خانوادگی، ارتباط کم با فرزندان، عدم پذیرش مسئولیت توسط والدین، فردگرایی و جزئی‌نگری در مسئله تربیت.

موانع مربوط به آموزشگاه: تراکم بالای دانش‌آموزان، بروز تعارضات در تعامل مشارکتی، صلاحیت حرفه‌ای پایین دبیران، وضع معیشت دبیران و سرزنش و تحقیر والدین به خاطر عملکرد فرزندانشان.

والدین: والدین نیز در خصوص موانع مشارکت خود در مدرسه، مواردی همچون: محدودیت مشارکت مستقیم همهٔ اولیاء، محدود شدن به مشارکت مالی، سوءتعبیر از مشارکت به دخالت، عدم آگاهی از اسناد بالادستی در خصوص مشارکت، مدیرمحوری نظام آموزشی، کمبود اعتبارات و خدماتی شدن مدیران را مطرح کرده‌اند (جدول شمارهٔ ۷).

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

جدول شمارهٔ (۷): موانع مشارکت والدین

مضمون		مضامین فرعی	نمونه تجربیات
موانع مشارکت	مدیران	بی‌سوادی یا کم‌سوادی اهمیت ندادن مشکلات خانوادگی ارتباط کم با فرزندان عدم پذیرش مسئولیت دیدگاه جزئی‌نگر عدم‌صلاحیت در امور آموزشی و پرورشی فردگرایی و خودمحوری تعارضات در تعامل تعامل پایین دبیران سرزنش و تحقیر والدین صلاحیت حرفه‌ای پایین دبیران تراکم بالای دانش‌آموزان معیشت دبیران	دلایل بی‌تفاوتی والدین در امور مدرسه‌ای را بی‌سوادی آنان، نداشتن اطلاعات، اهمیت ندادن، وجود مشکلات اجتماعی مثل اعتیاد، بیکاری، طلاق و غیره در حاشیهٔ شهرها و ارتباط کم والدین با فرزندان خود. شاغل بودن مادران، دوشغله بودن پدران و ارتباط دیداری کم والدین با فرزندان. والدین باسواد در انجمن مسئولیت نمی‌پذیرند چون کار انجمن را پردردسر می‌دانند. اظهارات والدین، موردی و جزئی در مورد فرزند خود، یا کلی با عبارات فلان دبیر خوب است یا بچه‌ها راضی هستند. چون صلاحیت علمی ندارند، نمی‌توانند در کارهای آموزشی و پرورشی کمک کنند. تربیت در جامعهٔ امروز بر اساس فردگرایی و خودمحوری است. تعامل با والدین باید مدیریت شود تا تعارضات تبدیل به بحران نشود. ما دبیران علاقمند به تعامل کم داریم. والدین نباید به خاطر عملکرد فرزند خود، سرزنش و تحقیر شوند، این مسئله در حضور والدین در مدرسه تأثیر دارد. صلاحیت حرفه‌ای پایین معلمان، تراکم بالای دانش-آموزان، معیشت معلمان و عدم ثبات فکری آنان.

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

مضمون		مضامین فرعی	نمونه تجربیات
	والدین	محدودیت مشارکت مستقیم مدیرمحوری نظام آموزشی محدود شدن به مشارکت مالی عدم آگاهی از اسناد بالادستی سوءتعبیر از مشارکت خدماتی‌شدن مدیران کمبود اعتبارات بازخواست شدن والدین	اگر همهٔ اولیاء بخواهند مشارکت مستقیم داشته باشند، به خاطر محدودیت‌ها نمی‌شود، مثل محدودیت زمانی برای آموزش. نظام آموزشی ما مدیرمحور است. مدیر اگر توانمند بود تمام اهداف محقق می‌شود وگرنه همهٔ برنامه‌ها تحت-الشعاع عمل مدیر قرار می‌گیرد. اینکه مشارکت والدین به مشارکت مالی محدود شده است، حاصل عملکرد غلط مدیران و محدودیت مالی دولت است. موضوع مشارکت والدین در سند تحول بنیادین آمده، اما برای چند درصد آنان توجیه شده است یا در جلسات آموزشی و انجمن به آن پرداخته شده است. مشارکت در نظام ما بیشتر جنبهٔ حضور فیزیکی دارد. سوءتعبیری که از واژهٔ مشارکت می‌شود واژهٔ دخالت است. می‌گویند اولیاء می‌خواهند جهت‌گیری مدرسه را عوض کنند. جمله‌ای که زیاد شنیده می‌شود این است که توقعات خانواده‌ها رفته بالا. مشارکت باید با نگاه دستاوردی باشد و نه با نگاه تجاری و سودبری. مدیران ما اکثراً مدیران خدماتی هستند، مدیران آموزشی نیستند. درگیر برنامه‌ریزی کالبدی‌اند. کمبود اعتبارات، مشارکت والدین را کاهش می‌دهد، چون نظرات اجرا نمی‌شود. معمولاً در مدارس دولتی، والدین به‌خاطر مسائل بچه‌ها بازخواست می‌شوند ولی هیچ وقت به آن‌ها نقش داده نمی‌شود.

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

بحث و نتیجه‌گیری

با تحلیل تجربیات مدیران و اولیای دانش‌آموزان در مدارس مختلف، ۶ مضمون اصلی استخراج گردید. اولین مضمون راجع به ارائهٔ تعریف و برداشتی از مشارکت والدین در امور مدرسه است. مدیران بیشتر مشارکت را به استفاده از ظرفیت و پتانسیل والدین، همسویی خانه و مدرسه در اهداف آموزشی و پرورشی و درگیری خانواده به‌عنوان مسئول تربیت حتی پس از ورود به مدرسه تحلیل کرده‌اند. یکی از والدین نیز مشارکت را حضور والدین در همهٔ صحنه‌های برنامهٔ درسی از قبیل تدوین، اجرا و پایش آن تعریف کرد که یک مشارکت حداکثری است. عموماً تعریف مشترک و یکسانی از این مفهوم ارائه نشده و هر یک به وجهی از مشارکت اشاره کرده‌اند؛ به‌عبارت‌دیگر، واژهٔ مشارکت در بین شرکت‌کنندگان کلمه‌ای آشنا و ملموس، اما در حوزهٔ عملیاتی مبهم و سلیقه‌ای است. در بین والدین نیز تعریف مدیریت مدرسه از مشارکت رواج دارد و این به خاطر عدم آگاهی آنان از اسناد بالادستی نظام آموزشی است. برداشت محقق از مجموع مصاحبه‌ها این است که یک فقدان تعریف عملیاتی در بحث مشارکت والدین وجود دارد و تا وقتی‌که این نقیصه وجود دارد، باید شاهد عملکردهای متفاوت مدارس و سوءبرداشت‌ها در این حوزه بود. در اسناد بالادستی و آیین‌نامه‌های اجرایی مدارس نیز تعریفی مفهومی و عملیاتی از مشارکت وجود ندارد تا بر اساس آن نسبت به میزان تحقق مشارکت در مدرسه قضاوت نمود. در واقع تعریف هر مدیر از مشارکت، در همان مدرسه اجرایی می‌شود. این یافته همسو با پژوهش کردی (۱۳۹۵) است که نابرابری در درک این مفهوم بین افراد مختلف به نظر می‌رسد آن‌قدر گسترده باشد که برخی از آن به‌عنوان مانعی در درک آن یاد کرده‌اند. همان‌طور که از تعریف مشارکت والدین توسط وزارت آموزش آمریکا (۲۰۰۴) نیز برمی‌آید که این تعریف، بیشتر پیشرفت آموزشی فرزندان را درنظر گرفته است و از پتانسیل والدین در حوزه‌های دیگر مشارکت غفلت کرده است.

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

در خصوص مضمون اصلی ۲ یعنی اهمیت و ضرورت مشارکت والدین در امور مدرسه، همهٔ مصاحبه‌شوندگان بر این مسئله اتفاق‌نظر داشته‌اند. مدیران مشارکت والدین را به‌عنوان پشتوانهٔ مدرسه، مؤثر در پیشرفت تحصیلی و اعتمادبه‌نفس فرزندان، جلوگیری از مسائل بیشتر در زمینه‌های آموزشی و پرورشی، پیشبرد برنامه‌های مدرسه، تأمین هزینه‌ها و ارضای نیاز اجتماعی اولیای مشارکت‌جو ضروری می‌دانستند. والدین نیز در این زمینه به مسئولیت خود در قبال فرزندان، سهیم بودن در امور مدرسه، خرد جمعی و عدم گوشه‌گیری در بحث تربیت اشاره کرده‌اند. این یافته هم‌سو با اهداف اسناد بالادستی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰) و سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش (۱۳۹۰) و همچنین پژوهش‌های صمدی و رضایی (۱۳۹۰)، شیربگی، عزیزی و امیری (۱۳۹۴)، مظاهری، موسی‌پور و ناطقی (۱۳۹۶)، واحدی (۲۰۱۰) و مک گرگور (۲۰۰۶) است. در اهداف آموزش ملی در ایالات متحده، مفهوم همکاری بین خانواده و مدرسه، به‌منظور پیشرفت آموزشی و جلوگیری از مشکلات آموزشی، به‌طورضمنی و ضروری درنظر گرفته شده است (کردی، ۱۳۹۵).

مضمون اصلی ۳ راجع به ساختار مشارکت والدین است. مدیران و والدین به دلیل قانونی بودن و قدمت انجمن اولیاء و مربیان به خوبی با آن آشنا هستند. مدیران از لحاظ وجودی هیچ مسئله‌ای با تشکیلات انجمن نداشته و به خوبی از آن بهره گرفته‌اند. در مدارس دولتی و غیردولتی، مصوبات انجمن در خصوص جلب کمک‌های مردمی و شهریه راهگشا است. مدیران به‌واسطهٔ انجمن، از پتانسیل والدین خیّر در زمینه‌های پروژه‌های عمرانی و برنامه‌های هزینه‌بر مدرسه که خارج از توان سرانهٔ مدرسه یا شهریه مصوب است، استفاده می‌کنند. همچنین مدیرانی که دغدغهٔ مسائل آموزشی و تربیتی آموزشگاه را دارند، با طرح آن در جلسات انجمن، در مورد راه‌حل‌ها چاره‌جویی می‌کنند. آیین‌نامهٔ انجمن، قدرت قانونی به نمایندگان والدین داده تا در تصمیم‌گیری‌های مدرسه مشارکت داشته باشند، اما موضوعاتی از قبیل میزان علاقمندی، سواد، مسئولیت‌پذیری و آشنایی اعضای انجمن با وظایف خود، عملکرد این نهاد را در

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

مدارس مختلف دچار افت‌وخیز می‌کند. سبک رهبری و مدیریت در مدرسه نیز عملکرد انجمن را متأثر از خود می‌کند. اکثر والدین به مدیرمحوری در نظام آموزشی اشاره کرده‌اند که می‌تواند مشارکت والدین را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. این یافته‌ها همسو با نتایج پژوهش‌های عرب شهراب (۱۳۸۹)، زنجانی‌زاده، دانایی و سلیمی‌نژاد (۱۳۹۰)، بوش و گولدرینگ (۱۹۹۸)، گریفیث (۲۰۰۰) و دسلاندس، بارما و مورین (۲۰۱۵) می‌باشد که ساختار نظام آموزشی، سبک رهبری مدرسه و توزیع قدرت در آن را مورد توجه قرار داده‌اند.

والدین در مصاحبه‌ها به ارتباط خود با اعضای انجمن اشاره‌ای نداشته‌اند و بیشتر به ارتباط فردی خود با عوامل مدرسه و شرکت در جلسات گروهی مثل آموزش خانواده تأکید کرده‌اند. ارتباط ضعیف اعضای انجمن با دیگر والدین سبب می‌شود که مصوبات انجمن، مسائل والدین را به خوبی منعکس نکند و در نتیجه والدین فارغ از انجمن، خود به چاره‌جویی می‌پردازند. عظیمی‌هاشمی و رضامنش (۱۳۹۳) نیز همسو با این یافته، نوع عملکرد انجمن را بر میزان مشارکت والدین مؤثر می‌داند. جلسات دیدار با معلمان از جمله ابتکاراتی است که مدیران، برگزاری آن در مقطع متوسطهٔ اول را مفید دانسته و سبب کاهش مراجعات و شکایات والدین می‌دانند. در واقع ارتباط مستقیم با همهٔ معلمان در یک روز، به بسیاری از سؤالات والدین پاسخ داده می‌شود و این یعنی کاهش کار مدرسه در روزهای دیگر. به نظر می‌رسد استفاده از ظرفیت مشارکت والدین می‌تواند به خلق ابتکارات مفید بیشتری در حوزهٔ آموزش‌وپرورش منجر شود.

در مورد مضمون اصلی ۴ یعنی زمینه‌های مشارکت والدین، مصاحبه‌شوندگان طیفی از موارد از قبیل پیگیری امور آموزشی و تربیتی فرزند خود، شرکت در جلسات دانش‌افزایی، پذیرفتن مسئولیت برنامه‌ای در مدرسه، قضاوت در مورد عملکرد معلمان و مشارکت در تصمیمات مدرسه از طریق مجاری قانونی مثل انجمن را مطرح کرده‌اند که نشان‌دهندهٔ یک طیف حداقلی و حداکثری است. مدیران میزان مشارکت والدین در این زمینه‌ها را منوط به دانش و مسئولیت‌پذیری والدین دانسته‌اند. مدیران اکثر والدین را

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

فاقد صلاحیت برای ورود در مسائل آموزشی و پرورشی می‌دانستند. این یافته همسو با پژوهش گوهری، جمشیدی و امین‌بیدختی (۱۳۹۴) است که عدم آگاهی والدین از اهداف آموزشی و تربیتی را مانع مشارکت می‌داند. از طرف دیگر والدین نیز سبک مدیریت مدرسه را در تنوع زمینه‌های مشارکت دخیل می‌دانند. اکثر والدین بر مدیرمحور بودن نظام آموزشی تأکید داشتند و میزان و تنوع مشارکت را در ارتباط مستقیم با این عنصر تحلیل می‌کردند، به‌عبارت‌دیگر تنوع زمینه‌های مشارکت منوط به انعطاف‌پذیری نظام آموزشی و مدیریت مدرسه و صلاحیت والدین در این حوزه است.

مضمون اصلی ۵ مربوط به عوامل تأثیرگذار در مشارکت والدین است. مدیران مواردی همچون انتخاب مدرسین توانمند با موضوعات جدید و کاربردی در بحث آموزش خانواده، تشکیل جلسات مشترک بین اولیاء و مربیان، شفافیت مالی مدیران، توانایی مدیر در برقراری ارتباط، آموزش خانواده در زمینه‌هایی مثل مشارکت، تربیت علمی، مطالبه‌گری و فنون مذاکره را در افزایش مشارکت والدین اثرگذار دانسته‌اند. والدین نیز علاقمندی و بنیهٔ والدین، مهارت مدیر، ابتکارات مدیر، پیش‌دستی مدرسه در امر مشارکت، برنامه‌مند بودن، وقت گذاشتن، ارائهٔ اطلاعات توسط مدرسه، فرهنگ خانواده‌ها، حساسیت آن‌ها، فرهنگ سازمانی مدرسه، محیط فیزیکی مدرسه و فرهنگ‌سازی در این زمینه را جزء عوامل مؤثر قلمداد کرده‌اند. تقریباً همه مصاحبه-شوندگان بر نقش عوامل مدرسه و به‌ویژه مدیر در زمینهٔ جلب مشارکت تأکید داشتند. جو سازمانی مشارکتی، فرهنگ‌سازی و ارائهٔ آموزش‌های مناسب در این زمینه می‌تواند کمیت و کیفیت مشارکت را افزایش دهد. بوش و گولدرینگ (۱۹۹۸) در پژوهش خود اذعان می‌کنند که والدین و معلمان تحت شرایط و ساختار جدید مدرسه، نقش‌های مختلفی را ایفا می‌کنند و تغییر در ساختار آموزشگاه روی کیفیت و ماهیت مشارکت اولیاء و مربیان تأثیر می‌گذارد. این یافته همچنین با نتایج تحقیق دهقان و مهدی‌سراجیان (۱۳۹۶) همسو است سرمایه اجتماعی خانوادگی را در مشارکت والدین و بالطبع پیشرفت تحصیلی فرزندان مؤثر می‌داند. دسلاندس، بارما و مورین (۲۰۱۵) روابط

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

همکارانهٔ بین مدرسه و خانواده را تحت تأثیر مسائل مربوط به عامل اعتماد در مقابل کنترل در هنگام انتخاب ابزار ارتباطی و مسائل مربوط به سلسله‌مراتب قدرت در داخل و خارج از مدرسه می‌داند که باید در توزیع مجدد وظایف در میان اعضای جامعه مدرسه به آن پرداخته شود.

آخرین مضمون اصلی مربوط به موانع مشارکت والدین در امور مدرسه‌ای است. مدیران مواردی از قبیل بی‌سوادی، نداشتن اطلاعات، اهمیت ندادن، وجود معضلات اجتماعی مثل بیکاری و طلاق، عدم پذیرش مسئولیت مشارکتی، عدم صلاحیت علمی در حوزهٔ آموزشی و پرورشی، ارتباط دیداری کم با فرزندان، حضور بدون برنامه در مدرسه، فردگرایی و جزئی‌نگری والدین را از جمله موانع مشارکت برشمردند. همچنین تعامل منفی و سرزنش والدین به خاطر عملکرد فرزند او از سوی مدرسه، صلاحیت حرفه‌ای پایین معلمان، موضوع معیشت فرهنگیان، تراکم بالای دانش‌آموزان و کمبود زمان برای تعامل نیز به اعتقاد بر مشارکت اثر منفی می‌گذارد. والدین نیز مدیرمحوری، محدود شدن مدرسه به مشارکت مالی، عدم آموزش مناسب در خصوص مشارکت، سوءتعبیر از این واژه، عدم نظارت از سوی ادارات آموزش‌وپرورش، کمبود اعتبارات، اجرا نشدن نظرات، بازخواست شدن در قبال مسائل فرزندان و افت فرایند مشارکت در طول دوره را به موانعی بر سر راه مشارکت ذکر کرده‌اند. از برآیند نظرات این‌گونه می‌توان برداشت کرد که فردگرایی مانع اصلی فرهنگی در این بخش است. فردگرایی مدیران را به خودمحوری در انجام وظیفه و والدین را به جزئی‌نگری در امور مدرسه سوق می‌دهد. فقدان آموزش کافی برای همه ذینفعان در زمینهٔ مشارکت می‌تواند فضای کار مشارکتی را دچار مشکل کند. بدین ترتیب علیرغم اذعان هر دو گروه به فواید مشارکت، به علت عدم آشنایی کافی با مفهوم مشارکت و کمبود مهارت در روابط بین فردی و فنون مذاکره، در صحنه عمل مشارکت‌کنندگان به مانع یا حتی بن‌بست می‌رسند. این یافته با نتایج پژوهش‌های زنجانی‌زاده، دانایی و سلیمی‌نژاد (۱۳۹۰)، گوهری، جمشیدی و امین‌بیدختی (۱۳۹۴)، گریفیث (۲۰۰۰)، ایوان رساس (۲۰۰۹) و وسترگارد

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

(۲۰۱۵) همسو است. این پژوهش‌ها علاوه بر ذکر موانع مشارکت، تبدیل دانش نظری به عمل سازنده را نیازمند آموزش دانسته‌اند.

در داخل اکثر نظام‌های آموزش‌وپرورش کشورها، چهار گروه از افراد هستند که در سطوح مختلف تصمیم‌گیری فعالیت می‌کنند: والدین و معلمان، مدیران مدارس، مقامات استانی و مقامات ملی. هر یک از این گروه‌های گسترده در واقع یکی از ستون-های اصلی در نظام آموزشی بوده، از تصمیمات اتخاذ شده متأثر می‌شوند. همچنین تصمیمات آنان متقابلاً بر نظام آموزشی تأثیر می‌گذارد. یکی از فرصت‌هایی که در اختیار نظام آموزشی قرار دارد، امکان بهره‌گیری از توان بالقوه فکری، علمی، مهارتی و تخصصی والدین دانش‌آموزان، در جهت بهبود و ارتقای سطح کیفی برنامه‌ها و فعالیت-های مدارس است. فراهم آوردن این فرصت‌ها و شرایط برای تحقق اهداف نظام تعلیم و تربیت ضروری است. در میان والدین، افراد دارای صلاحیت‌های تخصصی، حرفه‌ای و مهارتی بالا و قابلیت‌های علمی مفید و مؤثر و نیز صاحب‌نظرانی باکفایت وجود دارند که با برنامه‌ریزی صحیح و منطقی می‌توان همه ساله این منابع بالقوه فکر، اندیشه، نظر، تخصص و مهارت را برای مداخله و مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری، اجرا و ارزشیابی کلیهٔ برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی و تربیتی فرا خواند. از آن‌جا که والدین انگیزهٔ بالایی برای پیشرفت علمی، تحصیلی و نیز تربیت اخلاقی، اجتماعی و حرفه-آموزی به فرزندان خود دارند، اگر زمینهٔ مناسبی برای جلب و جذب توانمندی‌های آنان فراهم شود، مطمئناً از همکاری با سیستم آموزشی مضایقه نخواهند کرد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که واژهٔ مشارکت والدین علیرغم بدیهی بودن آن، نیازمند تعریف عملیاتی و تعیین حدود و ثغور آن در حوزهٔ آموزش‌وپرورش است تا ابهامات از آن زدوده شود. پیشنهاد می‌شود ذیل اسناد بالادستی و در آیین‌نامه‌های اجرایی مدارس به این موضوع به‌صورت شفاف پرداخته شود تا سلیقه‌های شخصی و اختلاف در برداشت‌ها کاهش یابد. به‌عبارت‌دیگر هر یک از طرفین مشارکت با وظایف و اختیارات خود به‌صورت دقیق آشنا باشند و هر کدام خود را در قبال آن پاسخگو

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

بدانند. همچنین شوراهای انجمن اولیاء و مربیان در سطح منطقه و استان به‌صورت مستقل بر عملکرد انجمن‌ها در مدارس نظارت کنند.

منابع

- ادیب حاج باقری، محسن؛ پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش (۱۳۸۹)، *روش‌های تحقیق کیفی*، چاپ اول، تهران: نشر و تبلیغ شریف.
- افضل‌خانی، مریم و عبدی پاکروان، مژگان (۱۳۹۲)، بررسی شیوه‌های بهینه در مشارکت اثربخش اولیا و مردم در مدارس، *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۱۰(۲): ۱۴۶– ۱۳۷.
- جهانیان، رمضان (۱۳۸۸)، راهکارهای توسعهٔ نظام مدیریت مشارکتی در واحدهای آموزشی، از دیدگاه مدیران، معاونان و معلمان، *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۶(۱): ۱۷۴– ۱۵۳.
- زنجانی‌زاده، هما؛ دانایی، مجید و سلیمی‌نژاد، مهدی (۱۳۹۰)، بررسی میزان مشارکت خانواده‌ها در مدارس استان خراسان رضوی و عوامل مؤثر بر آن، *جامعه-شناسی آموزش‌وپرورش*، ۱(۱): ۱۰۱– ۷۱.
- ستوده، هدایت‌اله و بهاری، سیف‌اله (۱۳۸۶)، *آسیب‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات ندای آریانا.
- *سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش* (۱۳۹۰)، تهران: وزارت آموزش‌وپرورش.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰)، *سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش جمهوری اسلامی ایران با همکاری شورای عالی آموزش‌وپرورش تهران*: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- صمدی، معصومه؛ رضایی، منیره (۱۳۹۰)، بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه علم و دین، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۹۵ (۱۲): ۱۱۷– ۹۵.

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

- عرب شهراب، علی (۱۳۸۹)، *بررسی رابطه بین سبک‌های مدیریت و میزان استفاده از مشارکت اولیاء در مدارس متوسطه شهر ورامین*، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد گرمسار.

- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۸۱)، *مشارکت مردمی در آموزش‌وپرورش*، تهران: پژوهشکدهٔ تعلیم و تربیت.

- کردی، سمیه (۱۳۹۵)، *رابطهٔ مشارکت والدین با موفقیت دانش‌آموزان در آزمون سراسری*، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

- گوهری، زهره؛ جمشیدی، لاله و امین‌بیدختی، علی‌اکبر (۱۳۹۴)، شناسایی موانع مشارکت والدین در امور مدارس مقطع ابتدایی شهر سمنان، *دو فصلنامهٔ مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، ۴ (۷): ۱۶۲– ۱۳۳.

- مظاهری، حسن؛ موسی‌پور، نعمت‌اله و ناطقی فائزه (۱۳۹۶)، نقش خانواده در برنامهٔ درسی شایستگی‌محور دورهٔ ابتدایی از منظر اسناد تحول بنیادین آموزش‌وپرورش، *فصلنامهٔ خانواده و پژوهش*، ۱۴(۳۴): ۳۲– ۷.

- نوابخش، مهرداد؛ اسمی‌جوشقانی، زهرا (۱۳۹۱)، عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های دانش‌آموزی، *مجلهٔ مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۴ (۴): ۱۲۲– ۱۰۵.

- هاشمیان‌فر، علی؛ اکبرزاده، علیرضا (۱۳۹۳)، بررسی و مقایسه مشارکت اجتماعی والدین نوجوانان بزهکار و عادی در امور مدرسه، *فصلنامهٔ مطالعات جامعه-شناختی جوانان*، ۵ (۱۵): ۱۸۰– ۱۵۷.

Bauch, Patricia A. Goldring, Ellen B. (1998). Parent-Teacher Participation in the Context of School Governance. *Peabody journal of education*,73(1).15-35.

Charo Reparaz, María Angeles Sotés-Elizalde (2019). Parental involvement in schools in Spain and Germany: Evidence from PISA 2015. *International Journal of Educational Research*. 93(1), 33-52.

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

Christenson, S. L., & Sheridan, S. M. (2001). *School and families: Creating essential connections for learning*. New York, NY: Guilford Press.

Deslandes, R. & Barma, S. & MorinT L (2015). Understanding Complex Relationships between Teachers and Parents. *International Journal about Parents in Education*. 9(1), 93- 105.

Fitzgerald, D. (2004). *Parent partnership in the early years*. London: Continuum.

Green, C. L., Walker, J. M. T., Hoover-Dempsey, K. V., & Sandler, H. (2007). Parents' motivations for involvement in children's education: An empirical test of a theoretical model of parental involvement. *Journal of Educational Psychology*, 99, 532–544.

Hofman, R.H., Hofman, W.H.A., Gray, J.M., Daly, P. (Eds.). (2004). *Institutional context of education systems in Europe: A cross-country comparison on quality and equity*. Netherlands: Kluwer Academic Publishers.

Ivan Rosas, S. (2009). *The Participation of Low-Income and Immigrant Mexican Parents in the Lives of High School Children*. Stanford University.

Sleeter, C. (2008). Equity, democracy and neoliberal assaults on teacher education. *Teaching and Teacher Education*, 24(8), 1947-1957

Theodorou, Eleni (2007). Reading between the lines: exploring the assumptions and implications of parental involvement. *International Journal about Parents in Education*. 1: 90- 96.

Vahedi, M (2010). Study of parents' participation in the high schools administration and its effect on school activities. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Vol 2, Issue, 359-363.

Westergård, E (2015), Moving the Theory of Parental Cooperation and Innovation into Practice. *International Journal about Parents in Education*. 9(1), 93-105.

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]

[Downloaded from cstp.khu.ac.ir on 2024-04-20]